

# ساده‌سازی مرزبندی سیاسی و دور انداختن رویای اتحاد اپوزیسیون

contact@korosherfani.com

کوروش عرفانی

تحولات ماههای اخیر در ایران از چنان شتابی برخوردار بوده است که امروز می‌توانیم در تعیین استراتژیهای مبارزاتی از آن بهره ببریم. اگر تا یکسال پیش عده‌ای هنوز بهانه‌ای برای شک داشتن در آینده این نظام و امکان تحول و اصلاح آن در اختیار داشتند، امروز، در پایان اردیبهشت ۱۳۸۱، دیگر برای کسی در مورد پوسیدگی و ضد مردمی بودن جمهوری اسلامی جای کمترین شکی وجود ندارد. به همین خاطر نیز صورت مسئله برای ایرانیان در داخل و خارج از کشور خیلی ساده شده است: امروز می‌توان طرفدار سرنگونی نظام جمهوری اسلامی بود یا خواهان حفظ آن؛ حالت سوم و چهارم و ششم دیگر، در عمل، وجود ندارد. قضیه امروز بسیار ساده شده مگر بخواهیم در ورطه مغلطه و یا ناصاقتی فرو رویم.

دومین واقعیت که امروز باید بدان اعتراف کنیم اینست که چیزی به نام "اتحاد" در اپوزیسیون ایرانی ناممکن است. شاید بتوان کارهای کوچکی کرد اما انتظار اینکه حتی دو گروه سیاسی دو نفره ایرانی بتوانند با هم متحد شوند در حساب احتمالات شانس بسیار پایینی دارد. بنابراین بهتر است که به جای هدر دادن وقت و انرژی خود برای متحد ساختن سازمانها و تشکلهای سازمانات خود برای هماهنگ و همسو عمل کردن میان ایرانیان بطور فردی اقدام کنیم. سازمانها و گروهها هم کار خود را می‌کنند و امیدواریم که موفق هم باشند.

اگر این رویای پوچ و غیر عملی اتحاد اپوزیسیون را جدی بگیریم می‌بینیم که با توجه به بافت و ماهیت سازمانهای تشکیل دهنده آن و نیز با توجه به گذشته آنها امکان برقراری اتحاد میانشان موجود نیست. دلایل آن نیز متعدد است: نبود فرهنگ سیاسی تحمل‌گرا، نبود گذشته تاریخی مشترک، تضاد پایگاه‌های اجتماعی فعالان اپوزیسیون، نبود تجربه و حافظه تاریخی درمورد همکاری و اتحاد و ...

پس منطقی‌تر اینست که بدنبال ناممکن نباشیم و نخواهیم که یک اپوزیسیون متحد شتر گاو پلنگی درست کنیم. بجای آن هر ایرانی باید در حد توان خود در جستجوی خطر آفرینی و دردسر آفرینی برای نظام جمهوری اسلامی باشد و در این مسیر از تمام راههای ممکن سود جوید. آنچه مهم است دستیابی به هدف اصلی و اولیه همه ایرانیان مخالف، یعنی سرنگون ساختن رژیم ضد ایرانی و ضد مردمی جمهوری اسلامی می‌باشد.

در مورد آینده باید گفت که با توجه به حضور سازمانها و تشکلهای رهبری و غیره در بطن فرایند سرنگون‌سازی هر یک از آنها که بتواند، در داخل و خارج از کشور، نیروهای بیشتری را به خود جذب کند، حمایت وسیع مردم را نسبت به خود برانگیزد و از سازماندهی و توان بیشتری برای اداره امور جامعه برخوردار باشد قدرت را در کوتاه مدت به دست خواهد گرفت و سپس درکنش و واکنش خود با جامعه و با سایر طیف‌های اپوزیسیون سرنوشت دراز مدت خود را تعیین خواهد کرد.

بدین ترتیب این ساده لوحانه است که ما بخواهیم باز هم بیست سال دیگر رابرای دستیابی

به "اتحاد اپوزیسیون" یا "اپوزیسیون متحد" هدر دهیم تا جمهوری اسلامی با کشورمان آن کند که دیگر نه از تاک نشان ماند و نه از تاک نشان.

جان کلام در دو نکته : نخست، تک تک آنان که به ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی باور دارند بیایند و در درجه اول خط خود را از خط کسانی که سرنگونی خواه نیستند جداکنند تا صورت بندی مبارزه ساده و امکان حقه بازیها، شیادبازیهای سیاسی، عوام فریبیها، مغلظه گریها و غیره از بین برود و صحنه مبارزه سیاسی شفاف شود. بدین گونه میدان مبارزاتی روشن می شود و در آن دو جبهه از هم جدا خواهند شد :

طرفداران سرنگونی نظام جمهوری اسلامی در تمامیت آن و مخالفان این سرنگونی با تمام تنوع خود، از اکثریتیها و توده ایهای خارج از کشور تا جبهه دوم خرداد و هیئت متلفه و سپاه پاسداران در داخل کشور.

این خط کشی را می توانیم امروز بعنوان یک شاخص روشن برای شناختن دوست مردم ستمدیده ایران از دشمن آن مورد استفاده قرار دهیم.

نکته دوم رها کردن رویای بیست ساله "اپوزیسیون متحد و یکدست" است که آرزویی از اساس غیرواقع گرایانه است. براحتی بگوییم که ما در جستجوی اتحاد اپوزیسیون نیستیم، آنچه می خواهیم سرنگونی نظام جمهوری اسلامی است و در این مسیر هر نیروی سیاسی که فداکاری، شجاعت، صداقت، درایت، هوشیاری، کارآیی، میهن دوستی و مردم داری بیشتری از خود نشان دهد بعنوان حکومت موقت، پس از سرنگونی، قدرت را بدست خواهد گرفت. بعد هم این نیروهای اجتماعی و سیاسی هستند که باید مراقب باشند تا این جریان سیاسی که قدرت حکومت موقت را در دست دارد به جای اندیشیدن به استقرار یک دیکتاتوری جدید در فکر برگزاری انتخابات آزاد با شرکت همه نیروهای مقبول جامعه باشد.

بنظر می رسد که اینها قواعد بازی برای استقرار دموکراسی در ایران به جای رژیم ضد انسانی فعلی است، بهتر است که این قواعد را بپذیریم هرچند که مطلوب همه و ایده آل نباشند.

این شفاف سازی و واقع گرایی مبارزه می تواند در شرایط کنونی، که آواز مرگ رژیم منحوس شنیده می شود، یک رفتار سیاسی راهگشا و کارآ از جانب تک تک ما ایرانیان میهن دوست و مردم دوست باشد.

x x